

سخن سرد چو

بسم الله الرحمن الرحيم

«چگونه محمد ﷺ به حقیقت خود شناخته می‌شود، در حالی که [در چنان رتبه بی‌نهایتی است که] خدای جلیل اسم او را قرین نام خود کرده و او را در عطابخشی شریک نموده و برای هر که فرمانش برد همان جزای طاعت خودش را قرار داده است؟!»

چنان که می‌فرماید: ﴿وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ أُغْنَاهُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾^۱ و در حالی که چون سخن کسی که طاعت او را ترک کرده و در طبقات آتش و در پوشش قطران، عذابش می‌کند را حکایت نموده، فرموده: ﴿يَا لَيْتِنَا أُطْعِنَا اللَّهُ وَأُطْعِنَا الرَّسُولَ﴾^۲ همین طور چگونه به حقیقت خود شناخته می‌شوند آن کسانی که خدای جلیل، طاعت آنان را به طاعت رسول خود قرین کرده، آنجا که فرموده: ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۳ و فرموده: ﴿وَلَوْ رَدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ﴾^۴ و فرموده: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُوا الْأَمَانَاتَ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾^۵ و فرموده: ﴿فَسئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^۶...

اگر ما جز با همانندان خود نمی‌نشستیم، احدی همنشین ما نمی‌شد...

هر آنچه نزد رسول است نزد وصی عالم او هم هست و هر آنچه که رسول بر آن اشراف دارد اوصیای او هم بر آن اطلاع دارند، تا مبدا ارض او تهی ماند از حجتی که با او علمی است که بر صدق مقالت و راستی عدالت او دلالت می‌کند.»^۷

از هر زاویه که به مسأله سترگ امام شناسی و امامت پژوهی نظر می‌کنیم، بیشتر این نکته را می‌یابیم که بی‌کرانگی و پر ژرفایی این اقیانوس مواج، بسی نامتناهی تر از مدار تعقل و احتمال و تحمل ما انسان‌های کم ظرفیت و کوتاه‌بین و قاصر و ناآگاه است.

این مائیم و جرعه‌های زلال و شفافی که همان برگزیدگان ربانی خود به عنایت، ما عطشناکان

۱. توبه / ۴۷.

۲. احزاب / ۶۶.

۳. نساء / ۹۵.

۴. نساء / ۳۸.

۵. نساء / ۸۵.

۶. نحل / ۳۴.

۷. کلام امام ابوالحسن علی بن محمد الهادی (علیه السلام) خطاب به فتح بن یزید جرجانی؛ اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة

فی معرفة الأئمة، ۲، ۳۸۶؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار: ۵۰، ۱۷۸؛ همان، ۳۶۶، ۷۵.

را سقایف فرموده‌اند و در درخشش هر یک از قطراتش، دریچه‌ای دیگر از این معرفت برتر را بر ما گشوده‌اند.

یکی از همین دریچه‌ها که باید خود به عنوان مدخلی مستقل و معتابه در امامت پژوهی مورد روی آوری و توجه قرار گیرد، رابطه‌ی داشته‌های رسالت و امامت و همانندی‌های محوری و رکنی میان این دو حقیقت تابناک می‌باشد.

در ادبیات و حیانی، رسول و امام هر دو حجت خوانده شده و داشته‌های بنیادین آنان در علم و عصمت و نصب و تنفیذ ولایت و قدرت الهی همانند بشمار آمده است.

در این نظر صائب صادق، امیرمؤمنان (علیه السلام) و دیگر ائمه (علیهم السلام) همانند رسول الله (صلی الله علیه و آله) باب الهی هستند که جز از آن در سوی خدا نتوان رفت؛ امین‌های پروردگارانند بر هر علم؛ حجت و هشدار و رسانند بر همگان و حکم اولین و آخرین آنان یکی است و امیرمؤمنان را همان برتری و فضیلت است که رسول الله را - آن برترین بر همه‌ی خلائق - می‌باشد.

«جری له من الفضل ما جرى لمحمد صلى الله عليه وآله وسلم»^۱

در منطق علوی علوی، ملائک و روح همان را که برای رسول الله مقررند برای علی حجة الله نیز قرار و اقرار داشته‌اند و امیرمؤمنان همان بار خدایی علم و ایمان و کمال و هدایت و تبلیغ و تحملی را بر دوش دارد که پیامبر (صلی الله علیه و آله) متحمل آن است: «ولقد أقرّ لی جمیع الملائکه والروح بمثل ما أقرّوا لمحمد صلى الله عليه وآله ولقد حملت مثل حمولة محمد وهي حمولة الرب»^۲ و البته این همه درخشش، چیزی نیست جز شعاعی از شهادت «انفسنا»ی قرآن به واحدیت نور و نفس محمد و علی صلوات الله علیهما و آلهما که به تأکید هم ایشان در تک تک ائمه اوصیاء (علیهم السلام) به تجلی آمده است.

این تلقی واضح، از روزگار نخستین به عنوان بایسته‌ای برجسته در مؤلفه‌های امامت شناخت اصحاب و عالمان امامیه به گزارش آمده است.

۱. مضمون روایتی از امام ابو جعفر محمد بن علی باقر (علیه السلام) صفار، محمد بن الحسن، بصائر الدرجات ۵۴؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱، ۱۹۶؛ مجلسی، همان، ۲۵، ۳۵۵.

۲. مضمون روایتی از امام ابو عبدالله جعفر بن محمد صادق (علیه السلام)؛ طوسی، محمد بن الحسن، الامالی، ۲۰۶؛ مجلسی، بحار الأنوار، ۲۵، ۳۵۲، برای توضیح بیشتر فراز آخر رک به: همان، ۳۵۳ بیان علامه مجلسی.

این معنا با گشودن بابی با عنوان «باب فی الأئمة علیهم السلام أنه جرى لهم من الفضل ما جرى لرسول الله...»^۱

در کتاب کهن بصائر صفار خود را پدیدار کرده و با گذر از کافی^۲ راه خود را تا بحارالانوار^۳ و الايقاظ^۴ و وافی^۵ تا امروز پشت سر گذاشته است.

این نکته از این رو گفته آمد تا ضمن آن که دیباچه سخن و سرچاه دل را به ذکر فضیلتی از اهل البيت علیهم السلام منور و مسعود می کند؛ ما و همه امامت پژوهان را به این بایسته پژوهشی معرفتی در حوزه امامت رهنمون گردد و در شناخت اوصاف، ویژگی ها و خصائص امام از منظر همانندی اش با رسول، عرصه ای تازه بر اهل فکرت بگشاید. با این امید و با توکل به خدا و توسل بر آستان رسول و اوصیاء، دفتری دیگر از صحیفه امامت پژوهی را می گشاییم.

در دفتر هشتم موضوعات مختلفی تحقیق شده و به رشته تحریر درآمده است.

موضوعاتی شامل آیه اعتصام، نبردهای سه خلیفه نخستین، چالش های دوران آغازین امامت امام هفتم علیه السلام، طرق اثبات امامت اشخاص ائمه علیهم السلام، استدلالی بر امامت ائمه اثنی عشر علیهم السلام و ترجمه مقاله ای با موضوع قرآن ناطق و صامت.

در بخش نقد اندیشه، فریضه تطور امامت شیعی از بخش مربوط به دوران امامت حضرت صادق علیه السلام کتاب مکتب در فرآیند تکامل نقد گردیده است.

در بخش کتاب شناخت نیز دو کتاب در موضوعات علم امام و فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام معرفی گردیده است.

بخش «نکته ها و یادداشت هایی در حریم امامت» که از شماره پیشین به فصلنامه افزوده شده در این شماره نیز حاوی نکاتی مفید در حوزه امامت می باشد.

امید که این اوراق پراکنده به امضای ولی نعمتمان حضرت ولیعصر علیه السلام رسد.

۱. صفار، محمد بن الحسن، همان، ۱، ۱۹۹.

۲. کلینی، همان، ج ۱/ ۱۹۶: باب أن الأئمة هم أركان الارض.

۳. مجلسی، همان، ۲۵، ۳۵۲: باب أنه جرى لهم من الفضل والطاعة مثل ما جرى لرسول الله صلی الله علیه و آله وانهم فی الفضل سواء.

۴. فیض، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، ۳، ۵۱۳: باب انهم اركان الارض وانه جرى لهم ما جرى للنبي صلی الله علیه و آله.

۵. حر عاملی، محمد بن حسن، الايقاظ، ۳۷۲.